

معرفی و نقد کتاب دستور مختصر زبان فارسی

زهرا زندی مقدم (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

دستور مختصر زبان فارسی، رشته مؤمنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نوشهر و چالوس، ۱۳۸۷، ۲۱۱ صفحه.

بخش عمده پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر درباره دستور زبان فارسی صورت گرفته مبتنی بر رویکردهای نوین زبان‌شناختی است، مانند باطنی (۱۳۷۲ [۱۳۴۸])، غلامعلی‌زاده (۱۳۷۴)، و طبیب‌زاده (۱۳۸۵). کتاب دستور مختصر زبان فارسی یکی دیگر از این دست آثار است که برای توصیف و تحلیل زبان فارسی، در عین حال که به دستور سنتی توجه داشته، از مبانی زبان‌شناسی نیز بهره‌جسته است. نگاه کتاب از منظر دستور زبان زایشی است. نظریه زایشی و تعریف و توضیح مفاهیم مربوط به آن بسیار پیچیده‌تر از آن است که انتظار داشته باشیم در کتاب عمومی دستور شرح مفصلی از آن بیاید. با وجود این، مؤلف کتاب مطالب را حتی الامکان با بیانی ساده و روان ارائه کرده است تا برای همگان، اعم از کارشناسان این رشته و دیگر علاقه‌مندان، قابل استفاده باشد. این خود از امتیازات اثر حاضر محسوب می‌شود.

دستور مختصر زبان فارسی با هدف توصیفی - آموزشی تهیه و تدوین شده است. از این رو، در هر فصل ابتدا مباحث مربوطه توصیف و سپس تمرین‌هایی مرتبط با آن ارائه

شده است تا خواننده بتواند میزان برداشت خود را از مطالب بیازماید. این نیز از نقاط قوت کتاب است. اما به اعتقاد نگارنده این سطور بهتر بود در پایان کتاب یا هر فصل پاسخ تمرینات ارائه می شد تا خواننده بتواند پاسخ های خود را با آنها مقایسه کند و از صحت و سقم آن اطلاع حاصل نماید. از دیگر امتیازات این کتاب این است که افزون بر تمرین های متناسب با هر بحث، بخشی تحت عنوان «نکته» ارائه شده که به نکات مهمی درباره مباحث آن بخش اشاره دارد. برای مثال در اینجا به ارائه دو نمونه از این نکات بسنده می کنیم. در صفحه ۲۱، فصل دوم، در پایان مبحث مربوط به تکواژ آمده است:

در اینجا توجه به یک نکته ضروری به نظر می رسد و آن اینکه ما زبان را به صورت یک مجموعه می شناسیم و یکی از زیرمجموعه های هر مجموعه، مجموعه تهی است. در ضمن می دانیم که در تعریف مجموعه ها، منظور از تهی، عدم وجود نیست بلکه عدم حضور است. بنابراین اگر در یک مجموعه جایی وجود داشته باشد ولی عضو آن حاضر نباشد، آن، یک زیرمجموعه تهی به شمار می آید. هدف از ذکر این موضوع اشاره به اعضا (واحدها)ی پنهان در یک ساخت است. بنابراین می توان انتظار تکواژ تهی را هم داشت. در آینده به این نوع تکواژ بر خواهیم خورد.

یا در صفحه ۲۷، فصل دوم، در توضیح وضعیت ستاک های بیرون از قاعده چند نکته ارائه شده است که در اینجا به یک مورد آن اشاره می شود.

گاهی به علت هم نشینی آخرین واج در ریشه یا ستاک، با نخستین واج از تکواژ مجاور، تغییر یا تغییراتی در ساختار ستاک فعل ایجاد می شود. برای مثال واج پایانی b یا p در ریشه، هنگام هم نشینی با تکواژ گذشته ساز t برای پیشگیری از دشواری تلفظ، طی فرایند ویژه ای به f تبدیل می شود، مثل ستاک های حال «روب»، «کوب» و «خواب» که ستاک گذشته آنها به صورت «رُفت/ روفت»، «کوفت» و «خفت» در می آید.

برای آنکه مطالب بهتر در ذهن خواننده نقش بندد جدول هایی حاوی خلاصه مطالب ارائه شده و نمودارهایی نیز ترسیم شده است. این خود از دیگر نکته های مثبت این کتاب است.

در این اثر شواهد از زبان فارسی معاصر برگزیده شده و مطالب با نظم و منطق خاصی ارائه شده اند؛ بدین معنا که از خط و صداهای زبان شروع شده و در انتها با

مباحث مربوط به جمله پایان یافته است. در این کتاب میان مباحث صرفی و نحوی تمایز گذاشته شده است. بخش عمده کتاب (صفحات ۱۵-۱۲۹) به مباحث صرفی اختصاص دارد و مبحث صرف مقدم بر مبحث نحو آمده است. اصولاً توجه اصلی دستورهای مبتنی بر زبان‌شناسی بر نحو و ساختمان جمله بوده است، در حالی که در دستورهای سنتی توجه عمده بر صرف و ساختمان کلمه است. شاید علت این انتخاب در کتاب مورد بررسی و نقد این باشد که مؤلف به دستور سنتی هم توجه داشته است. این کتاب مشتمل بر پیشگفتاری کوتاه و پنج فصل است که هر فصل دارای تقسیمات فرعی است.

در پیشگفتار اهداف و اهمیت پژوهش بیان شده است.

فصل نخست که با عنوان کلیاتی درباره دستور زبان آمده است، ابتدا به توصیف دستور زبان و انواع آن پرداخته، سپس برخی موضوعات دخیل در تحلیل دستوری را مطرح نموده و در انتها واج‌ها و هجاهای زبان فارسی را که موضوع آواشناسی است بررسی کرده است.

فصل دوم به مبحث صرف (تکواژشناسی یا ساختواژه) اختصاص دارد. در این فصل مؤلف ابتدا به تعریف واژه می‌پردازد، سپس به دو فرایند تصریف و اشتقاق در واژه‌سازی اشاره نموده، تعریفی از هریک به دست می‌دهد. در ضمن، فرایند ترکیب در مبحث مربوط به انواع ساختمان واژه (ص ۴۹) که در پایان این فصل آمده، مطرح شده است. برخی دستورنویسان به فرایندهای دیگری غیر از فرایندهای یادشده اشاره کرده‌اند. برای نمونه خسرو غلامعلی زاده در کتاب خود با عنوان ساخت زبان فارسی (۱۳۷۴: ۲۵۵، پ) افزون بر دو فرایند عمده ترکیب‌سازی (ساختن واژه‌های مرکب) و وندافزایی (ساختن واژه‌های اشتقاقی از راه افزودن وند) که در زبان فارسی کاربرد فراوانی دارند، به فرایندهای دیگری نظیر ابداع (ساختن واژه بدون استفاده از عناصر زبانی موجود) و اختصارسازی (ایجاد واژه‌های اختصاصی مانند نهاجا (نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران) یا کاربرد نشانه‌های اختصاری کم م (کوچک‌ترین مضرب مشترک) که گاه به کار برده می‌شود)، اشاره می‌کند. به گفته وی برخی از این فرایندها ممکن است در

زبانی در سطحی گسترده به کار گرفته شود، اما برخی دیگر، مثلاً فرایند اختصارسازی و کاربرد نشانه‌های اختصاری، اگر در زبان انگلیسی در سطحی نسبتاً وسیع به کار برده می‌شود، در فارسی فقط می‌توان چند نمونه برای آن یافت. از این رو، این فرایندها در این زبان چندان زایا نیستند. شاید مؤلف کتاب به همین دلیل از ذکر آن خودداری نموده‌است.

پس از معرفی فرایندهای مذکور نوبت به تکواژ می‌رسد (ص ۱۹) و با تقسیم‌بندی آنها به دو دسته آزاد و وابسته ادامه می‌یابد. در اینجا تکواژهای وابسته خود به سه دسته اشتقاقی، تصریفی و نحوی تقسیم می‌شوند. برخی دستورنویسان تکواژهای وابسته را به صورت دیگری تقسیم کرده‌اند، به عنوان مثال غلامعلی زاده (۱۳۷۴: ۲۵۷) تکواژهای مقید را به سه دسته مخفف، صرفی و اشتقاقی تقسیم کرده و توضیحاتی در خصوص هر یک ارائه نموده‌است. وی معتقد است که صورت‌های مختلف برخی از واژه‌ها، مانند است، هستم، هستی و غیره را می‌توان تکواژ مقید قلمداد کرد، مثلاً (ی-) در علی بیماره (= علی بیمار است) یا (اید) در کجایید؟ (= کجا هستید) و نظایر آن. این نوع صورت‌های مخفف در واقع تکواژهای آزادی هستند که در محاوره به گونه مخفف ادا شده، به واژه ماقبل خود افزوده می‌شوند. هرچند چنین پدیده‌هایی حاصل عملکرد فرایندهای تخفیف واجی هستند، به هر حال می‌توان آنها را تکواژ به شمار آورد، و چون مستقلاً در جمله ظاهر نمی‌شوند، از نوع مقید هستند.

در برخی از کتاب‌ها تقسیم‌بندی‌هایی که در خصوص تکواژهای وابسته نحوی یا واژه‌بست‌ها (clitic) صورت گرفته‌است، با آنچه در این کتاب آمده متفاوت است. برای نمونه کلباسی (۱۳۷۱: ۲۵) این قبیل تکواژها را به دو دسته پی‌بست (enclitic) و پیش‌بست (proclitic) تقسیم کرده‌است و اظهار می‌دارد که واژه‌بست‌های زبان فارسی همه پی‌بست‌اند؛ یعنی به کلمه قبل از خود می‌پیوندند، مانند -م در کتابم و خوبم که در مثال اول ضمیر و در مثال دوم فعل است. اما مؤلف کتاب حاضر در طبقه‌بندی‌ای که از تکواژهای وابسته نحوی به دست داده‌است، از نوع دیگری تحت عنوان میان‌بست (inclitic) نام برده و در صفحه ۲۷ می‌نویسد:

میان‌بست‌ها در میان دو واژه می‌آیند و آنها را به هم پیوند می‌دهند، مانند - در کتاب تو و دوست خوب که مفهوم وابستگی را می‌رساند و آن را حالت اضافه هم می‌گویند. این دسته از واژه‌بست‌ها شبیه تکواژهای اشتقاقی غیروندی هستند؛ با این تفاوت که غیروندی‌ها، در میان دو تکواژ آزاد برای ساختن یک واژه می‌آیند درحالی‌که این‌ها در میان دو واژه برای ایجاد یک ساخت نحوی قرار می‌گیرند.

در این کتاب سپس انواع وابسته‌های نحوی (ص ۲۷) ذکر می‌شود و مفاهیمی چون ریشه، وند، پایه و ستاک مورد بررسی قرار می‌گیرد و در انتها به انواع ساختمان واژه (بسیط، مشتق، مرکب، مشتق - مرکب) پرداخته می‌شود.

طبقه‌های واژگانی عنوان فصل سوم کتاب است. در این فصل ابتدا اصطلاح انواع کلمه تعریف و سپس زیرمجموعه‌های آن (که مؤلف آن را هشت قسم دانسته: اسم، صفت، قید، فعل، عدد، ضمیر، حرف، ادات) معرفی می‌شود. در برخی دستوره‌های متقدم به جای انواع کلمه و اقسام کلمه، از اصطلاحات دیگری استفاده شده است؛ اصطلاحاتی نظیر اجزای کلام (شفایی، ۱۳۶۳: ۷)، نوع‌بندی کلمه (ذوالنور، ۱۳۴۳: ۱۳۴۸: ۳۰). فرشیدورد در دستور امروز (۱۳۴۸: ۱۲) می‌نویسد:

بیشتر دستورنویسان تحت تأثیر استاد فقید قریب، کلمه را به سه قسم تقسیم کرده‌اند و بعضی نیز آن را شش قسم و برخی هم هفت قسم دانسته‌اند. نجم‌الغنی، صاحب نهج‌الادب، به تقلید از عربی سه قسم کلمه و میرزا حبیب اصفهانی و صاحب دستور کاشف ده قسم از آن تشخیص داده‌اند.

وی به شیوه اکثر دستورنویسان زبان‌های معروف هندواروپایی در فارسی کلمات را به هشت قسم تقسیم کرده است: ۱. اسم؛ ۲. صفت؛ ۳. ضمیر؛ ۴. فعل؛ ۵. قید؛ ۶. وابسته‌ساز (حرف اضافه)؛ ۷. پیوند (حرف ربط)؛ ۸. صوت. از مقایسه این تقسیم‌بندی با تقسیم‌بندی ارائه شده در کتاب دستور مختصر زبان فارسی همچنین روشن می‌شود که دو تقسیم‌بندی از نظر تعداد یکسان هستند ولی ترتیب آنها با هم فرق می‌کند. در تقسیم‌بندی فرشیدورد عدد وارد نشده است و در تقسیم‌بندی مؤمنی اصوات یافت نمی‌شود. در هر دو طبقه‌بندی ابتدا اسم آمده است. حال آنکه در برخی تقسیم‌بندی‌ها، علی‌رغم اینکه اسم نخستین مقوله را تشکیل می‌دهد، ابتدا به مقوله فعل پرداخته شده است (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۷۷: ۲). آنها کلمه را به هفت طبقه تقسیم کرده‌اند: اسم،

فعل، ضمیر، صفت، قید، حرف، شبه جمله (صوت). در این طبقه‌بندی هم به عدد اشاره نشده است.

پس از معرفی انواع کلمه نوبت به توصیف و به دست دادن ویژگی‌های تصریفی هریک از مقوله‌های واژگانی می‌رسد. گفتنی است که در این فصل مؤلف تنها به ویژگی‌های معنایی و تصریفی مقوله‌های واژگانی پرداخته است. نخستین مقوله‌ای که توصیف شده و ویژگی‌های تصریفی آن مورد بررسی قرار گرفته اسم است. در این بخش تصریف اسم از لحاظ شمار بررسی و سپس نکاتی درباره‌ی واژه‌های عربی فارسی شده ارائه شده است و در ادامه انواع اسم: اسم خاص، اسم عام، اسم جنس، نام‌آواها، و اسم‌های مشتق از ریشه فعلی که خود انواعی دارد (اسم‌های فاعلی، مصدر، اسم مصدر، اسم ستاک) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مقوله دیگری که در این فصل پس از اسم بررسی شده، صفت است. در این فصل، پس از توصیف صفت، به ویژگی‌های تصریفی آن پرداخته شده است. در این بخش صفت‌ها از نظر میزان یا درجه به مطلق، تفضیلی و عالی تقسیم شده‌اند. سپس انواع صفت (صفات با ریشه فعلی، صفات بدون ریشه فعلی) که هریک خود دارای تقسیمات فرعی هستند، بررسی می‌شوند. پس از صفت نوبت به مقوله قید می‌رسد و تعریفی درباره‌ی آن ارائه می‌شود. از آنجا که قید تصریف نمی‌شود، دارای ویژگی‌های تصریفی هم نیست. در این کتاب قید از نظر کارکرد به دو دسته میزان‌نما و عمومی (ص ۶۰) تقسیم شده است. در اکثر کتاب‌های دستور زبان فارسی طبقه‌بندی‌های مفصلی از قیدها بر اساس معانی آنها ارائه شده است که از جمله می‌توان قیدهای زمان، مکان، حالت، تکرار، مقدار، کیفیت، علت، هدف، شرط و غیره را برشمرد. پس از قید نوبت به طبقه فعل می‌رسد که به دلیل مجموعه اطلاعاتی که از ساختمان آن دریافت می‌شود در واقع مهم‌ترین طبقه واژگانی است. در این بخش ابتدا تعریفی از فعل به دست داده شده و سپس ویژگی‌های تصریفی آن ذکر گردیده است؛ ویژگی‌هایی نظیر شخص، شمار، زمان، وجه، جهت، نمود، نفی و اثبات که هریک خود به انواعی تقسیم می‌شوند. همچنین به برخی ویژگی‌های دیگر فعل که به شیوه کاربرد آن مربوط می‌شود، اشاره شده است. برای مثال هنگامی که شخصی می‌خواهد ماجرای را نقل (روایت) کند برای اینکه تصویر زنده‌تری از رویدادها در ذهن شنونده ایجاد نماید از دو روش می‌تواند استفاده کند: الف) می‌تواند فعل‌های گذشته را با

ساختِ زمان حال به کار ببرد. در مثال زیر، ماجرا در گذشته روی داده است:

طفلک می خواست چای لب سوز را هر چه زودتر به مهمان‌ها برساند ولی همین‌که داشت از پله‌ها پایین می آمد، پایش سُر خورد و با سینی چای کف حیاط ولو شد.

می توان آن را به صورت زیر بیان کرد:

طفلک می خواهد چای لب سوز را هر چه زودتر به مهمان‌ها برساند ولی همین‌که دارد از پله‌ها پایین می آید، پایش سُر می خورد و با سینی چای کف حیاط ولو می شود.

ب) می تواند در پایان هر فعل زمان گذشته (اعم از اصلی، کمکی، وجهی و یا ربطی)، پسوند -ه را بیفزاید. این تکواژ به نوعی کارِ تصریفِ فعل را برای بیانِ روایی به عهده می گیرد و ماجرا زنده تر احساس می شود:

طفلک می خواسته چای لب سوز را هر چه زودتر به مهمان‌ها برساند ولی همین‌که داشته از پله‌ها پایین می آمده، پایش سُر خورده و با سینی چای کف حیاط ولو شده.

می توان چنین صیغه‌ای از فعل را صیغهٔ روایی (ص ۸۴) نامید. پس از آن ویژگی‌های اشتقاقی فعل همچون ساختمان، ظرفیت، کارکرد و سببیت مورد بررسی قرار می گیرد. در ادامه مطالبی با عنوان نکته‌هایی دربارهٔ طرز تشخیص انواع فعل‌های مصدرِ شدن ارائه شده است. در این بخش نحوهٔ تشخیص فعل‌های ربطی و واژگانی و کمکی از مصدرِ شدن مطرح شده است. در ادامه طبقهٔ عدد تعریف شده و ویژگی‌های تصریفی آن نظیر صیغگان عدد: شمارشی، ترتیبی و گزیده‌ای، بیان شده است. ضمیر مقولهٔ دیگری است که پس از عدد به آن پرداخته شده است. در این بخش ابتدا تعریفی از ضمیر به دست داده شده است و سپس به انواع آن اشاره می شود. در ادامه ضمیر از نظر ساختمان به دو دستهٔ آزاد و وابسته تقسیم شده که هر یک خود انواعی دارند. پس از ضمیر تعریفی از حرف داده شده و سپس انواع آن که هر یک دارای زیرمجموعه‌ای هستند، مطرح شده است. ادات آخرین طبقه‌ای است که در این فصل مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا این طبقه تعریف شده، سپس انواع آن در جدولی نشان داده شده است.

فصل چهارم به نحو اختصاص دارد. حوزهٔ نحو یکی از بخش‌های عمدهٔ پژوهش‌های زبان‌شناختی است که تنها در سه یا چهار دههٔ اخیر از سوی زبان‌شناسان مورد توجه خاص قرار گرفته است. به رغم پژوهش‌های گسترده‌ای که زبان‌شناسان جهان پیرامون آن

انجام داده‌اند، نحو زبان فارسی چندان مورد بررسی قرار نگرفته است. همان گونه که پیش از این گفته شد، دیدگاه نظری حاکم در این کتاب، نظریهٔ زایشی است. در این فصل ابتدا نحو زبان فارسی تعریف شده است. سپس واحدهای نحوی به ترتیب سلسله مراتب به سه دسته (گروه، جمله‌واره (بند)، جمله) تقسیم شده‌اند. فرشیدورد در کتاب جمله و تحول آن در زبان فارسی (۱۳۷۵: ۸۵) اظهار داشته است: «نحو بخشی از دستور زبان است که از روابط کلمات با هم گفتگو می‌کند و شامل سه مبحث عمده است: ۱. جمله؛ ۲. گروه؛ ۳. جمله‌واره».

در این تقسیم‌بندی ابتدا جمله آمده و سپس گروه و جمله‌واره، حال آنکه در کتاب حاضر ابتدا گروه آمده و سپس جمله‌واره و جمله توصیف شده است. در این بخش، پیش از توصیف هر یک از این واحدها، به معرفی برخی از فرایندها، مثلاً حذف، پرداخته شده است. سپس هر یک از واحدهای نحوی به تفصیل تعریف و انواع آن معرفی شده است. در این فصل، به منظور نمایاندن ساخت نحوی گروه‌ها در تحلیل‌ها، از نمودارهای درختی استفاده شده است که از صراحت بیشتری برخوردارند. فصل پنجم که فصل پایانی کتاب است به بررسی جمله و جمله‌واره اختصاص دارد. به طور کلی برای درک جمله، افزون بر اینکه سازه‌های آن جمله باید شناخته شود، مقوله‌های دستوری و هم‌نقش‌های سازه‌ها نیز باید مشخص شود. بنابراین، تحلیل نحوی عبارت است از شناختن سازه‌ها، تشخیص مقوله‌های دستوری و نیز نقش‌های سازه‌ها. در این فصل ابتدا تعریفی از جمله و جمله‌واره به دست داده می‌شود. در این کتاب جمله به صورت زیر تعریف شده است:

جمله بزرگ‌ترین واحد زبانی است که موضوعات دستور یک زبان در آن سازمان یافته است. جمله از نظر معنایی حاوی پیام است و در شکل گفتاری، از نظر آوایی آهنگ دارد و در انتها درنگ، همچنین در شکل نوشتاری، دارای نشانه‌های سجاوندی است (که این نشانه‌ها در آیین نگارش معرفی می‌شوند) (ص ۱۷۰).

و جمله‌واره هم به صورت زیر معرفی شده است:

جمله‌واره نوعی سازهٔ نحوی است که در حد فاصل گروه و جمله قرار دارد و به سبب آنکه دارای فعل و موضوع یک پیام است به جمله شباهت دارد، ولی چون معمولاً با جزء دیگری در بیرون از سازه‌های خود کامل می‌شود، جمله‌واره نامیده می‌شود (ص ۱۷۱).

در کتاب حاضر در خصوص انواع جمله‌واره مستقل آمده‌است: جمله‌واره مستقل همپایه، جمله‌واره پایه و جمله‌واره اصلی و در این خصوص در صفحه ۱۷۱ گفته شده: اگرچه این سه اصطلاح را گاهی مترادف به کار می‌برند ولی به نظر می‌رسد بهتر باشد که این سه را جدا از هم در نظر بگیریم، به این ترتیب که جمله‌واره مستقل را جمله‌ای بنامیم که به تنهایی دارای استقلال کامل باشد، مانند جمله‌واره‌های مثال‌های (الف) و (ب) زیر. جمله‌واره پایه را آن بدانیم که در کنار جمله‌واره پیرو می‌آید و در واقع جمله پیرو، بخشی از آن را به عنوان قید (ص ۱۸۹) تشکیل می‌دهد، مانند آنچه در مثال‌های (پ)، (ت)، (ث) و (ج) دیده می‌شود و بالاخره جمله‌واره اصلی را جمله‌واره‌ای بدانیم که جمله‌واره موصولی (ص ۱۶۹) در داخل آن قرار گرفته‌است، مانند جمله‌واره اصلی در مثال (چ):

(الف) هنوز برف می‌بارد و ما یک روز پرماجرا را پشت سر گذاشته‌ایم.

ج مستقل ج مستقل

(ب) علی ورزشکار است ولی ساسان از هیچ ورزشی خوشش نمی‌آید.

ج مستقل ج مستقل

(پ) باآنکه خیلی خسته بودیم تا نیمه شب کار کردیم.

ج مستقل ج مستقل

(ت) وقتی که با شما صحبت می‌کنم به زندگی امیدوارتر می‌شوم.

ج پیرو ج پایه

(ث) سامان این راه دور را رفته‌است تا به هدفش برسد.

ج پایه ج پیرو

(ج) کاری را که ناتمام گذاشته بودند تمام کردند

ج موصولی (معرف)

(چ) اگر از خیابان روبه‌رو، که به بزرگراه می‌رسد، بروی، زودتر می‌رسی.

ج موصولی (توضیحی) ج مستقل

ج پیرو

ح) سعدی، که شاعر دشت‌ها و دوردست‌هاست...

ج- موصولی (توضیحی)

چنین تقسیم‌بندی‌ای در دستورهای پیشین ارائه نشده است. فرشیدورد در کتاب جمله و تحول آن در زبان فارسی (۱۳۷۵: ۹۸) بیان داشته است:

بعضی از دستورنویسان که می‌گویند جمله‌واره پایه آن است که مقصود اصلی سخن در آن باشد درست به نظر نمی‌رسد، زیرا همیشه چنین نیست. مثلاً در عبارت: «اگر تو بیایی من هم می‌آیم»، سخن اصلی تو بیایی است، زیرا آمدن من مشروط به آن است؛ درحالی‌که از لحاظ ساختمانی و نحوی جمله‌واره تو بیایی پیرو و نیمه‌جمله من هم می‌آیم، پایه است. سخن اصلی غالباً در پیروهای شرطی و مسندالیهی، مقصود و علت در جمله‌واره پیرو است، نه در پایه.

در ادامه این فصل انواع جمله از نظر آهنگ و شکل‌گیری وجه جمله، به خبری، پرسشی، امری، عاطفی تقسیم می‌شود. در ادامه این فصل توضیحی درباره نقش داده می‌شود و سپس مهم‌ترین نقش‌های نهاد، نقش‌های دستوری درون‌گزاره، نقش‌های جزء ظرفیت فعل در گزاره، و نقش گروه‌های بیرون از ظرفیت فعل ارائه می‌شود. در این بخش تحلیل جمله به کمک نمودار درختی انجام می‌شود و مواردی چون نمودار ساختمان جمله بسیط با فعل یک ظرفیتی، نمودار ساختمان جمله بسیط با فعل دو ظرفیتی و نمودار درختی جمله بسیط با فعل سه ظرفیتی، همچنین چگونگی نمایش وضعیت قیدها در نمودار درختی، نمودار درختی جمله‌های مرکب، و نمودار درختی جمله‌های پیچیده را شامل می‌شود.

در انتهای کتاب فهرست مآخذ تحت عنوان کتابنامه آمده است.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که مشاهده شد، کتاب دستور مختصر زبان فارسی که بر مبنای نظریه زایشی نگاشته شده است، علی‌رغم پیچیدگی‌هایی که در تعریف و توصیف مفاهیم مربوط به این نظریه وجود دارد و نیز با وجود به‌کارگیری اصطلاحات فنی این رشته نظیر تکواژ (ص ۱۹)، تکواژهای وابسته نحوی (واژه‌بست) (ص ۱۶)، تکواژ صفر (ص ۱۴۳) و نظایر آن که

مؤلف ناگزیر از استفاده آن بوده است، به زبانی ساده و روان بیان شده است. وجود تمرینات مرتبط با موضوع هر بحث و نیز استفاده از جداول و نمودارهای متعدد بر سهولت و وضوح آن افزوده است. البته این کتاب با وجود ویژگی‌هایی که دارد خالی از اشکال نیست که در اینجا به آنها اشاره می‌شود. اولین مورد که بیشتر جنبه پیشنهاد دارد تا ایراد، این است که در صفحه ۴۳، پاراگراف آخر، مؤلف، برای آگاهی بیشتر درخصوص ساخت اشتقاقی واژه و انواع تکواژهای اشتقاقی، مراجعه به کتاب‌های مربوط در این زمینه را به خواننده توصیه کرده است که به نظر نگارنده این سطور بهتر بود به برخی از این منابع اشاره می‌شد.

در این کتاب از رسم الخط یکدست و یکنواختی استفاده نشده و مشخص نیست که منبع مورد استفاده چه بوده است. در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود. برای نمونه واژه آنجا در عبارت از آنجا که (ص ۴، پاراگراف دوم، سطر اول) به صورت جدا آمده، درحالی که همین واژه در صفحه ۳۴، سطر اول، پانوش (۱) در همین عبارت به صورت پیوسته (آنجا) به کار رفته است و یا عبارت به‌عنوان در صفحه ۶، پاراگراف دوم، سطر دوم به صورت پیوسته (بعنوان) آمده و همین واژه در صفحه ۲۰، پاراگراف دوم، سطر دوم به صورت جدا (به‌عنوان) آمده است.

در واژه‌های مختوم به صامت متصل در اتصال به صورت سوم شخص جمع فعل (بودن) از رسم الخط متفاوتی استفاده شده است. برای مثال واژه‌هایی چون عبارتند (ص ۹، پاراگراف سوم، سطر اول) و مربوطند (ص ۲۰، پاراگراف سوم، سطر سوم) به صورت متصل و واژه‌هایی چون دستوری‌اند (ص ۲۰، پاراگراف دوم، سطر آخر) و یا شناسایی‌اند (ص ۲۰، پاراگراف سوم، سطر سوم) به صورت منفصل و با اند آمده‌اند.

اشکال دیگر کتاب مربوط به عدم رعایت فاصله‌گذاری صحیح است. در این کتاب در اکثر موارد این فاصله‌گذاری رعایت نشده است. ما در اینجا تنها به ارائه چند نمونه اکتفا می‌کنیم. مثلاً به روز (ص ۵، پاراگراف اول، سطر چهارم) به جای به‌روز و یا معنی شناسی (ص ۸، پاراگراف سوم، سطر دوم) به جای معنی شناسی و هم خانواده (ص ۲۹، پاراگراف چهارم، سطر سوم) به جای هم خانواده و یا انگشت شمار (ص ۳۰، پاراگراف دوم، سطر ششم) به جای انگشت شمار. در این اثر، کسره اضافه در واژه‌های مختوم به های غیرملفوظ در حالت اضافه

به صورت «ی» به کار رفته است که در بسیاری از موارد هم از قلم افتاده است. برای نمونه حوزه علمی (ص ۵، سطر سوم) به جای حوزه علمی یا واژه خرده مند (ص ۷، پاراگراف اول، سطرهای پنجم و ششم) به جای واژه خرده مند و یا ماده مضارع (ص ۳۴، سطر اول، پانوش (۱)) به جای ماده مضارع. در برخی موارد نگذاشتن این کسره موجب ابهام و بدخوانی می شود. برای مثال صورت متوجه کننده کار (ص ۵۴، پاراگراف اول، سطر دوم)، در اینجا نگذاشتن کسره اضافه و عدم رعایت فاصله موجب بدخوانی شده است که در اینجا صورت متوجه کننده کار صحیح است.

در برخی موارد اشتباهات چاپی و املائی مشاهده می شود. برای مثال در صفحه ۴۲، اجزای دیگرش به جای اجزاء/ اجزای دیگرش آمده است. در صفحه ۸، پاراگراف چهارم، سطر پنجم بعد از واژه موضوعها، «ی» باید حذف شود: در جمله «اما می توان روی هریک از موضوعهای با تمرکز بیشتر به مطالعه پرداخت». در صفحه ۳۷، پاراگراف اول، سطر اول، شماره صفحه در داخل کمانک از قلم افتاده است، و یا در صفحه ۱۷۱، سطر دهم به جای اصطلاحها باید اصطلاح بیاید: در جمله «اگرچه این سه اصطلاحها را گاهی مترادف به کار می برند...». صفحه ۶۳، پاراگراف اول، سطر دوم «را» باید قبل از «یا» بیاید: در جمله «... و معمولاً آن رویداد یا را به موضوع دیگری که آن فعل را به فعلیت می رساند (و از طبقه اسم است) اسناد می دهند...». در صفحه ۴۷ مترادف انواع کلمه part of speech گذاشته شده که می بایست parts of speech باشد.

ساختار و ترتیب ارائه مطالب در این کتاب مطلوب است و با توجه به ویژگی هایی که درباره آن برشمرده شد و نیز با رفع کاستی های آن، کتاب دستور مختصر زبان فارسی منبع مناسب و سودمندی برای علاقه مندان به دستور زبان فارسی است.

منابع

- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۷۷)، دستور زبان فارسی (۱)، ویرایش دوم، فاطمی، تهران؛
باطنی، محمدرضا (۱۳۷۲ [۱۳۴۸])، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، ج ۵، امیرکبیر، تهران؛
ذوالنور، ر. (۱۳۴۸ [۱۳۲۲]) دستور پارسی در صرف و نحو زبان فارسی، ارغنون، تهران؛
شفایی، احمد (۱۳۶۳)، مبانی علمی دستور زبان فارسی، نوین، تهران؛

طیب‌زاده، امید (۱۳۸۵)، ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز، نشر مرکز، تهران؛
غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۷۴)، ساخت زبان فارسی، احیاء کتاب، تهران؛
فرشیدورد، خسرو (۱۳۴۸)، دستور امروز، چاپخانه وحیدیه، تهران؛
— (۱۳۷۵)، جمله و تحول آن در زبان فارسی، امیرکبیر، تهران؛
کلباسی، ایران (۱۳۷۱)، ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.

□



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی